



فریبا پیروژه

هرچند هنوز «برقع آبی» زنان نماد افغانستان در جهان محسوب می‌شود؛ اما در بیش از یک دهه گذشته، بخش‌هایی از زنان فعال و تحصیل‌کرده در این کشور تلاش کرده‌اند تا بتوانند چهره‌ای متفاوت از وضعیت خود را به دنیا نشان دهند. «فوزیه کوفی»، نماینده استان بدخشان در پارلمان افغانستان، ازجمله چهره‌های فعال حقوق زنان افغانستان است. او به عنوان نماینده مجلس، نقش زیادی در تصویب قانون منع خشونت علیه زنان در این کشور داشته است. «کوفی» با اشاره به اینکه تغییر مسائل فرهنگی که ریشه در تاریخ دارد به زمان زیادی نیاز دارد می‌گوید مشکل اصلی زنان در افغانستان این است که آنها پذیرفته‌اند ضرب‌وشتم و خشونت، بخشی طبیعی از زندگی آنهاست. این نماینده مجلس افغانستان، که خود دو بار از حملات انتحاری جان به در برده است، با اشاره به بیش از سه دهه جنگ در افغانستان و ادامه آن تا امروز تأکید می‌کند وضعیت زنان افغان را نمی‌توان از شرایط عمومی جامعه جدا کرد و مسائل اقتصادی و مشکلات امنیتی در افغانستان، امکان تغییر ذهنیت افراد درباره مسائل زنان را به تأخیر می‌اندازد.

۲ مسئله خشونت عریان علیه زنان در افغانستان، یکی از مهم‌ترین مسائل منطقه است و در یک سال گذشته نام‌هایی چون «فرخنده»، «رخشانه» و «شکریه تبسم» به‌عنوان نماد زنانی که موردخشونت عریان قرار گرفتند، در دنیا شنیده شد. شما به‌عنوان یک نماینده زن مجلس چه اقداماتی برای تغییر این تصویر خشن در منطقه و جهان انجام داده‌اید؟

مسئله عقب‌افتادگی فرهنگی در کشورهای درحال‌توسعه، ریشه بسیار عمیقی در تاریخ دارد. تاریخ افغانستان یک تاریخ مردسالار است و تبعیض مرئی و نامرئی به‌طور ساختاری در زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان وجود داشته است.

تغییر پدیده‌هایی که در تاریخ ریشه دارند، در مدت کوتاه امکان‌پذیر نیست. باید توجه داشته باشید که افغانستان همین امروز نیز در حال جنگ است و به این دلیل مهم، هنوز هم پدیده خشونت بخش عمده‌ای از زندگی زنان افغانستان است. کار من به‌عنوان نماینده مجلس، قانون‌گذاری و نمایندگی مردم است. من و همکارانم در پارلمان، تلاش کردیم قوانینی را وضع کنیم تا به وسیله آن بتوانیم برخی از مشکلاتی که زنان افغانستان با آن دست‌به‌گریبان هستند را حل کنیم.

مسئله خشونت علیه زنان، ازدواج‌های اجباری، ازدواج‌های زیر سن قانونی، مسئله عدم رضایت در ازدواج و تعدد زوجات به‌طوری‌که مطابق با شریعت نباشد – که البته باعث به‌وجودآمدن مشکلات زیادی برای ما در مجلس شد– همه اینها به نحوی در قانون دیده شده‌اند.

مثلا درباره چندهمسری، طبق شریعت تعدد ازدواج وجود دارد اما شرایطی دارد که هر مردی نمی‌تواند آن شرایط را برای ازدواج‌های مکرر داشته باشد و این حق را برای زنان به وجود می‌آورد و ما می‌خواهیم با توسل به این قانون این‌گونه مسائل را نظام‌مند کنیم. هرچند قانون منع خشونت علیه زنان هنوز هم در دستور کار است و تصویب شده است، قانون منع آزار و اذیت در اماکن عمومی هم از دیگر مسائلی است که ما روی آن کار می‌کنیم. البته وضع قانون تنها می‌تواند بخشی از راه‌حل مشکلات پیرامون زنان باشد. اجرای قانون، بخش مهم دیگری است که مسئولان اجرایی باید به آن توجه کنند. ما تلاش کردیم زنان ما در مجالس ملی و بین‌المللی حضور داشته باشند و فعالیت کنند تا به دنیا نشان دهیم زنان افغانستانی بی‌سبکزی دارند و به همین دلیل در تمام قوانین و سیاست‌های خود قید کرده‌ایم که در ۳۰ درصد ادارات دولتی باید از زنان استفاده شود؛ یعنی نوعی تبعیض مثبت برای زنان در قوانین ما وجود دارد.

۳ شما پیش‌تر گفته بودید قانون امروز در افغانستان توانایی حمایت از زنان را ندارد. منظور شما از این گفته چیست؟

این یعنی وضع قوانین به‌تنهایی برای حمایت از زنان کافی نیست، اگر قانون وجود داشته باشد ولی اجرا نشود، بی‌فایده است. مثل حادثه قتل فرخنده که در چندمتری پارلمان در قلب پایتخت اتفاق افتاد. مسوارد دیگری مثل دختری به نام «نجیبه» که به‌خاطر ناراضیاتی که در ازدواجش داشت، کشته شد و قانون نتوانست از او حمایت کند. به این ترتیب قانون می‌تواند بخشی از مشکل را حل کند و دست‌کم مجازات جرم‌ها را مشخص کند اما اجرای قانون و قانون‌پذیری جامعه، مسئله دیگری است.

۴ در افغانستان، چه ضمانتی برای اجرای قوانین وضع‌شده وجود دارد و شما برای اجرای قانون چه تدابیری در نظر دارید؟

متأسفانه مردم کمتر از قوانین آگاه هستند و قوانین را نمی‌شناسند. این مسئله به این دلیل است که در سال‌های گذشته حاکمیت قانون در افغانستان وجود نداشته است. سال‌ها جنگ داخلی و خارجی یکی از دلایلی است که مردم را نسبت به شناخت و رعایت قانون بی‌اعتنا کرده است. از سوی دیگر، سنت و عرف و رسومات در افغانستان در بسیاری از موارد به جای قانون نشسته است. سنت‌هایی که گاه قوانین دینی را برمی‌تابند و از دین هم چند گام جلوتر قدم بر می‌دارند. به این خاطر وجود قانون، بخشی از راه‌حل مشکلات در افغانستان محسوب می‌شود و اجرای قوانین، مسئله بعدی در کشور ماست. ما در جلسات خود در کمیسیون‌های مختلف مجلس مسئولان دولتی را دعوت و با آنها درباره قوانین صحبت می‌کنیم و در مواردی نحوه اجرای قانون را به آنها آموزش می‌دهیم. در مورد حادثه کشته‌شدن فرخنده، ما تا به امروز دو جلسه با حضور مسئولان داشته‌ایم و از آنها سؤال کردیم برای بازداشت عاملان این حادثه چه اقداماتی انجام داده‌اند.

۵ شما درباره حاکی از این است که عاملان قتل فرخنده آزاد شده‌اند.

در مورد ماجرای سنگسار «رخشانه» در ولایت «غور»، حتی عاملان حادثه اصلا دستگیر نشدند. در مورد فرخنده ما خواهان این هستیم که هرچه‌زودتر دادگاه نهایی برگزار شود و حکم نهایی را اعلام کند. در مورد رخشانه، ما یک ماه به مسئولان امر مهلت دادیم تا بتوانند عاملان آن فاجعه را هم دستگیر کنند. نقش ما خواستن مسئولان و پاسخ‌گرفتن از آنهاست و ما با استفاده از اهرم‌های فشاری که در رسانه‌ها و نهادهای جامعه مدنی و پارلمان داریم، از این قدرت خود استفاده می‌کنیم.

۶ فرمان تقنینی «حامد کرزی» رئیس‌جمهوری سابق افغانستان، درباره منع خشونت علیه زنان که از شش سال پیش در حال اجرا بوده است، سال ۱۳۹۲ برای حل نقاط اختلافی و تصویب در جلسه عمومی مجلس نمایندگان به بحث گذاشته شد اما به دلیل اختلاف‌نظرها، به تصویب نرسید. مفاد این قانون که با تصویب آن مخالفت می‌شود، چیست؟

پیش از این باید بگویم که زندگی زنان در کشورهایمانند کشور ما

«فوزیه کوفی» نماینده مجلس افغانستان در گفت‌وگو با «شرق»:

باوجود مخالفت‌ها، ۲۵ درصد از پارلمان حق ماست



همراه با رنج و عذابی است که یک زن در طول زندگی خود می‌بیند. مردم هم فکر می‌کنند رنج و عذاب جزء جدایی‌ناپذیر زندگی زنان است و شوبرختانه خود زنان هم این مسئله را پذیرفته‌اند که ضرب‌وشتم و تجاوز و آزار و اذیت جزء زندگی آنهاست! بسیاری از زنان این را قبول کرده‌اند که همسران آنان اجازه دارند بی‌هیچ دلیلی همسر دوم و سوم اختیار کنند و هیچ نفقه‌ای هم نپردازند. مشکل اصلی این است که خود زنان این مسائل را پذیرفته‌اند، شاید به این دلیل که راهی جز این پیش‌روی خود نداشته‌اند.

بنابراین در وضع قانون منع خشونت علیه زنان، اولین کاری را که ما انجام داده‌ایم این است که ۲۷ نوع برخورد با زنان را مصادیق خشونت علیه زنان معرفی کرده‌ایم؛ یعنی اگر کسی با زنی چنین برخوردهایی داشته باشد، بر مبنای قانون مجرم شناخته خواهد شد. ضرب‌وشتم، آزار و اذیت روانی و آزارهای خیابانی و تعدد زوجات، درصورتی‌که مرد شرایطی را که در اسلام قید شده رعایت نکند و همچنین ازدواج زیر ۱۶ سال طبق این قانون، جرم محسوب می‌شود. ما این موارد را در قانون منع خشونت علیه زنان درنظر داشتیم. اما متأسفانه این قانون با مخالفت تعدادی از افراد سنتی مواجه شد و هنوز نتوانست‌ایم این قانون را به تصویب نهایی برسانیم.

۷ به نظر شما چه راه‌حلی برای ایجاد نوعی ارتباط و تعامل و گفت‌وگو با مخالفان و تندروها و کسانی که با این قوانین مخالف هستند، برای تصویب این قانون وجود دارد؟

برخی از افراد تندرو برای مخالفت‌های خود هیچ دلیل منطقی‌ای ندارند؛ چراکه آنها خود در جامعه شاهد نقض حقوق زنان هستند. دلیل مخالفت آنها این است که اصولا زنان را برای اینکه قانونی برای آنها باشد به دربارۀ آنها وجود داشته باشد به رسمیت نمی‌شناسند. تعدادی از آنها هم اصلا قانون را نمی‌خوانند و مفاد آن را نمی‌دانند و تنها چون دوستانشان به آنها گفته‌اند که این قانون خلاف شریعت است، با تصویب آن مخالفت می‌کنند.



برخی از افراد تندرو برای مخالفت‌های خود دلیل منطقی‌ای ندارند؛ آنها خود در جامعه شاهد نقض حقوق زنان هستند. دلیل مخالفت آنها این است که اصولا زنان را برای اینکه قانونی برای آنها باشد به دربارۀ آنها وجود داشته باشد به رسمیت نمی‌شناسند. تعدادی از آنها هم اصلا قانون را نمی‌خوانند و مفاد آن را نمی‌دانند و تنها چون دوستانشان به آنها گفته‌اند که این قانون خلاف شریعت است، با تصویب آن مخالفت می‌کنند



به‌این‌ترتیب گفت‌وگو با چنین افرادی بسیار دشوار است، ولی ما هرگز ناامید نمی‌شویم. ما فکر می‌کنیم ذهن این افراد باید تغییر کند. ما مشکلی با کسانی که همفکر ما هستند نداریم. مسئله ما حل مشکلات با بخش سنتی جامعه است، اما تأکید می‌کنم ایجاد تغییر در ذهنیت این افراد بسیار دشوار است.

۸ با توجه به آنچه گفتید به نظر شما آیا می‌توان در کوتاه‌مدت شاهد تغییراتی در وضعیت زنان بود و آیا روند رشد کیفی زندگی زنان در افغانستان، سیر صعودی خواهد داشت؟

وضعیت زنان در این کشور را نمی‌توان از وضعیت عمومی جامعه جدا کرد. وضعیت زنان با مسائل سیاسی، اقتصادی و جنگی که هنوز در افغانستان ادامه دارد، گره خورده است. همه این مسائل امکان تغییر ذهنیت افراد درباره مسائل زنان را به تأخیر می‌اندازد، ولی ما سعی می‌کنیم آنچه را که در قانون منع خشونت علیه زنان به آن اشاره شده، با دستور رئیس‌جمهور به قانون تبدیل کنیم.

هرچند باید توجه داشته باشیم مجازات و زندانی‌کردن افراد نمی‌تواند راه‌حل عملی نهایی و مناسبی برای حل مشکلات زنان باشد. باید راه‌هایی در نظر گرفته شود که افراد در جامعه، خود دست به آزار و اذیت زنان نزنند؛ مثلا اگر یک راننده تاکسی مرتکب خشونت و آزار علیه زنان شد، طبق قانون باید حق استفاده از تاکسی از او گرفته شود. ما تلاش می‌کنیم شیوه مجازات‌ها را هم در این قانون تغییر دهیم تا هم مجازات صورت بگیرد و هم به نوعی بتوان فرهنگ‌سازی کرد.

همچنین این روزها ما در پارلمان تلاش می‌کنیم والی (استاندار) و وزرا و سفرای زن بیشتری در افغانستان وجود داشته باشد. به‌هرحال تغییر باید از بالا و پایین و در سطوح مختلف ایجاد شود.

۹ طبق قانون، زنان در افغانستان سهمیه ۲۵درصدی برای حضور در مجلس دارند. نحوه برخورد افراد نزدیک به تفکرات طالبانی با این قانون و این تبعیض مثبت در افغانستان چگونه است؟

وقتی این قانون در نظر گرفته شد، هنوز پارلمان وجود نداشت و برخی جایگاه خود را در خطر نمی‌دیدند و به‌این‌ترتیب این مسئله را پذیرفتند. اما وقتی پارلمان در افغانستان ایجاد شد و کرسی و جایگاه بعضی افراد به‌واسطه اجرای این قانون به خطر افتاد، مخالفان با حضور دست‌کم ۲۵ درصد زنان در مجلس هم شروع شد، اما به‌هرحال این قانون همچنان در افغانستان اجرا می‌شود.

جهان

یادداشت